

بررسی و نقد کتاب «مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه» بر اساس زبان‌شناسى کاربردى

مریم جلائی*

چکیده

متون ادبی از جمله متونی است که در حوزه آموزش زبان های خارجی از جمله زبان عربی طرفداران بسیاری دارد. پر واضح است با توجه به ماهیت و ویژگی های منحصر به فرد ادبیات، باید میان تدریس آن و سایر متون آموزشی زبان تفاوت قائل شد. از جمله منابع آموزشی ادبیات معاصر عربی در دانشگاه های ایران، کتاب "مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه" تألیف دکتر صادق خورشیا است. از آن جهت که مخاطب آثاری از این دست، گویشوران فارسی می باشند و زبان عربی برای آنان زبان خارجی و نه زبان مادری به شمار می آید، لذا شایسته و بایسته است تألیف و تدریس در این زمینه بر مبنای اصول زبان شناسی کاربردی صورت گیرد. بنابراین، در پژوهش حاضر قصد داریم این کتاب را بر اساس مبانی این علم در حوزه تدریس ادبیات به زبان آموزان خارجی با روش توصیفی - تحلیلی مورد نقد و واکاوی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: زبان شناسی کاربردی، آموزش زبان عربی به دانشجویان ایرانی، آموزش ادبیات معاصر عربی، مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه، صادق خورشیا.

۱. مقدمه

به دنبال پیشرفت جوامع بشری و گسترش ارتباطات بین المللی، احساس نیاز به زبان آموزی و در نتیجه آموزش زبان رشد قابل ملاحظه ای را شاهد بوده است، و باعث شده راهکارهای متعددی در زمینه شیوه ها و متون آموزشی مطرح شود؛ از این رو، زبان شناسی کاربردی (Applied Linguistics) که شاخه ای از علم زبان شناسی است به عنوان موضوعی مستقل به رسمیت شناخته شد تا به بررسی مسائل مرتبط با یادگیری و آموزش

*استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان maryamjalaei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۳

زبان‌های خارجی پردازد، و به عنوان یکی از فعال‌ترین زمینه‌های تحقیق در مطالعات زبانی شناخته شود. (برای اطلاعات بیشتر پیرامون تاریخچه زبان‌شناسی کاربردی مراجعه شود به الس، ۱۳۷۲، ص ۴۰ و نیز پول، ۱۳۷۸، ص ۳۱۰) به عبارت دیگر؛ تحصیل یک زبان چنان فرایند پیچیده‌ای است که علمی مستقل باید به آن پردازد؛ همچنانکه در یادگیری آن نیز باید از کلیه امکانات بهره گرفت. از جمله این امکانات، ادبیات زبان هدف است که علی‌رغم مخالفت برخی از زبان‌شناسان همچنان جایگاه خود را در میان متون آموزشی حفظ کرده است.

کتاب‌های تألیف شده در زمینه آموزش زبان و ادبیات عربی به دانشجویان ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ با نگاهی گذرا به سرفصل دروس رشته زبان و ادبیات عربی در همه مقاطع تحصیلی به ویژه دوره کارشناسی درمی‌یابیم که متون ادبی دوره‌های مختلف تاریخی از دوره جاهلی گرفته تا صدر اسلام، اموی، عباسی اول و دوم، و سپس دوره انحطاط، و دوره معاصر و علاوه بر آن ادبیات اندلس، ادبیات عربی در ایران، ادبیات سیاسی، و ادبیات متعهد و ... سهم قابل توجهی از این برنامه را به خود اختصاص داده است و مبالغه نیست اگر بگوییم آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران، آموزشی ادبیات محور است.

بنابراین، در این نوشتار سعی داریم با نگاهی نقادانه و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقاط قوت و ضعف یکی از این کتاب‌ها تحت عنوان "مجانی الشعر العربی الحدیث ومدارسه" بر اساس زبان‌شناسی کاربردی پردازیم. علت این انتخاب، از طرفی چنانچه قبلاً گفته شد حجم قابل توجهی است که متون ادبی در برنامه آموزشی این زبان در دانشگاه‌های ایران به خود اختصاص داده و تا حدود قابل توجهی متأثر از برنامه گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های جهان عرب است و از طرف دیگر ضعف زبانی نسبتاً فراگیری است که دامنگیر اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموختگان ایرانی زبان عربی است؛ بنابراین، بازنگری در روش‌های تدریس ادبیات و نیز متون مورد استفاده در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد تا ان شاء الله در تألیفات آتی شاهد کیفیت مطلوب‌تر محتوا و در نتیجه بازدهی حداکثری یادگیری و تقویت کنش زبانی (Performance) عربی‌آموزان ایرانی باشیم.

۲. پیشینه تحقیق

اگر چه ادبیات یکی از مهم‌ترین متون مورد استفاده در آموزش زبان عربی به گویشوران غیر عربی است لیکن در زمینه تدریس ادبیات عربی آنگونه که باید تحقیق و پژوهش

- علمی و روش مندی صورت نگرفته؛ لذا، مقاله حاضر در راستای تکمیل پژوهش های علمی معدود ذیل انجام گرفته است؛
- تدریس النصوص الأدبية لطلاب اللغة الثانية ... ملاحظات حول الصعوبات والحلول، عبدالحکیم راضی، ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ م.
 - قضايا وتوجهات في تدریس الأدب العربي، رشدي أحمد طعيمة، ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ م.
 - تدریس الأدب العربي لغير الناطقين بالعربية، أبو هشام، ۲۰۰۵ م.
 - الشعر في مجال تعليم اللغة، عارف كرخي أبو خضيری، ۲۰۰۷ م.
 - تبسيط النص الأدبي للقراءة الموسّعة بما يتناسب مع المستويات اللغوية للناطقين بغير العربية (دراسة تطبيقية على رسالة الغفران) طاهر محمد حقة، ۲۰۰۹ م.
 - رؤى لسانية في تدریس القصة القصيرة للناطقين بغير العربية، وليد أحمد العناتي، ۲۰۰۹ م.
 - دراسة المدخل التواصلی في تدریس الأدب العربي المعاصر لطلاب العربية الإيرانيين، مریم جلائی، ۱۳۹۱ هـ. ش.
 - تدریس القصة القصيرة لمتعلمی العربية من الناطقين بغيرها في ضوء المدخل الاتصالی، مریم جلائی، نرگس گنجی، و سيد محمد رضا ابن الرسول، ۱۳۹۲ هـ. ش.
 - تعليم النصوص الأدبية في أقسام اللغة العربية وآدابها بالجامعات الإيرانية ومدى تحقق أهدافه، سجاد اسماعيلي، ۱۳۹۱ ش.
 - تعليم قواعد العربية للناطقين بغيرها في المستوى المتقدم من خلال النصوص الشعرية، حسين بن علي الفارسي، ۲۰۱۵ م.
 - تحديات تدریس الأدب العربي في الجامعات الأمريكية، أحمد ياسر الملاح، ۲۰۱۵ م.
- تا جایی که نگارنده اطلاع دارد تا کنون در ایران مطالعه ای پیرامون نقد محتوای متون آموزشی در حوزه ادبیات عربی از دیدگاه زبان شناسی کاربردی صورت نگرفته است. شاید بتوان دلیل عمده آن را نامأنوس بودن این شاخه از زبان شناسی برای دست اندرکاران آموزش این زبان دانست. بنابراین، با تدوین این پژوهش به بررسی و نقد یکی از منابع اصلی آموزش ادبیات عربی در ایران پرداخته ایم و امیدواریم در ایجاد پیوند میان این علم و آموزش ادبیات عربی سهمی هر چند ناچیز داشته باشیم. لازم به ذکر است نقدی مختصر تحت عنوان " نقد و بررسی کتاب مجانی الشعر العربي الحديث و مدارس (مجموعه شعر معاصر عربی و مکتب های ادبی) " توسط آقای کاظم عظیمی در سال ۱۳۸۱ نگاشته شده؛ لیکن نویسنده، بخش عمده آن را به معرفی این اثر اختصاص داده و تنها نقدی مختصر را بر مبنای سلیقه های شخصی خویش مطرح کرده است.

۳. روش تحقیق

در جهت تدوین این پژوهش، ابتدا کتاب "مجانای الشعر العربی الحدیث ومدارسه" را دقیقاً مطالعه نموده، سپس با روش توصیفی - تحلیلی، نظریات علمی مطرح در زمینه آموزش ادبیات زبان های خارجی را با روش و محتوای این کتاب انطباق داده و نهایتاً به نقد آن پرداخته ایم.

۴. جایگاه ادبیات در آموزش زبان

بر کسی پوشیده نیست که ادبیات، نمونه اعلاّی زبان همه ملت ها و زبان خود جلوه گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ، تجربه و روحیات یک جامعه است. انسان در گذر زمان از زبان برای انتقال پیام ها، عواطف و اندیشه های خویش بهره جسته و از ادبیات به عنوان وسیله برتر در انتقال بهتر، بایسته تر و مؤثرتر اندیشه خود استفاده کرده است؛ زیرا که هر اندیشه ای که در قالب مناسب خویش ریخته شود پایدارتر و ماندگارتر خواهد بود. اما زمانی که ادبیات به حوزه آموزش زبان راه می یابد، اهمیت آن بیشتر جلوه می نماید چرا که؛

- ادبیات از جمله مواد اصیل و واقعی در کلاس های زبان به شمار می آید (کلی و اسلاتر / Collie, J and S, Slater / ۱۹۸۸، ص ۳، لازار / Lazar / ۱۳۸۰، ص ۳۲، قوسن / Ghosn، ۲۰۰۲، ص ۱۷۳). منظور از اصالت آن است که ادبیات اساساً به منظور تدریس و آموزش ایجاد نشده، بلکه در بستر واقعی و طبیعی زندگی به وجود آمده و عاری از خشکی و ملالتی است که متون مصنوع آموزشی دارند.

- ادبیات ابزار مفیدی جهت تقویت توانش زبان آموز در به کارگیری اقسام دوگانه دانش زبانی (Linguistic Knowledge) یعنی کاربرد دستوری زبان (Usage) و نیز استعمال زبان در موقعیت (Use) می شود (ویدوسون / Widdowson / ۱۹۷۸، ص ۳). از آن جایی که صرف توانش کاربردی دستور زبان که در روش های سنتی آموزشی مورد اهتمام بوده، ناقص و ناکارآمد است و به ایجاد توانش و کنش ارتباطی نمی انجامد، لذا در ادبیات که زبان را در بافتی منسجم و طبیعی که همه اجزای ارتباط میان دو طرف (فرستنده و گیرنده) لحاظ و رعایت شده است، می تواند تأثیر قابل ملاحظه ای در درک نحوه ایجاد ارتباط به صورت ناملموس داشته باشد.

- ادبیات ماده ای غنی از فرهنگ زبان مقصد است؛ این ویژگی به خصوص در رمان، نمایش نامه، و داستان بسیار محسوس است (کلی و اسلاتر / Collie, J and S, Slater / ۱۹۸۸، ص ۴).

- خوانش های متفاوت متون ادبی موجب مشارکت زبان آموز در فعالیت های کلاسی می شود؛ چرا که ادبیات خاصیت تفسیر پذیری دارد، لذا هر خواننده ای به فراخور سلیقه و پیشینه فکری و فرهنگی خویش برداشتی مستقل از آن دارد.

د - ادبیات خاصیت برانگیختگی دارد؛ به عبارت دیگر موجب انگیزش احساسات خواننده می شود (هال / Hall ، ۲۰۰۵ ، ص ۴۸ و لازار / Lazar ، ۱۳۸۰ ، ص ۳۲). *ضاکال* (Dhakar) معتقد است این امر دو علت دارد؛ اول اینکه موضوعات ادبی معمولاً جهان شمول هستند و با محوریت تجربه های عمومی انسانی است، و دوم اینکه اساساً آثار ادبی به دنبال جلب توجه خواننده است (۲۰۰۱ ، ص ۱۱۱).

با توجه به آنچه گفته شد اهمیت گنجاندن گونه های مختلف ادبیات در آموزش زبان های خارجی غیر قابل انکار است و بلکه جای تأکید دارد.

۵. معرفی اجمالی کتاب

این کتاب، تألیف دکتر صادق خورشیا و از جمله کتاب های آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی و به عنوان یکی از منابع اصلی درس " متون نظم و نثر معاصر (۱) " است که به ارزش ۲ واحد تدوین و توسط سازمان سمت منتشر شده است. این اثر، متشکل از بخش های ذیل می باشد؛

الإهداء، علی هامش العنوان "أحاسيس و مشاعر"، دیباجة و توطئة، دراسات نقدية و مباحث أدبية بلاغية حول الشعر، المدارس الأدبية في الأدب العربي، تمهيد، مدرسة الإحياء (البعث)، المدرسة الرومانسية، المدرسة الواقعية، المدرسة الرمزية، قصيدة النثر، تدريبات تطبيقية و نماذج أسئلة محورية، و المصادر و المراجع.

با توجه به فهرست ارائه شده به طور کلی می توان گفت در آغاز کتاب، مطالبی در باب نقد و مباحث ادبی و بلاغی در حوزه شعر فراهم آمده و در پی آن برخی شاعران و نویسندگان برجسته معاصر عرب به اختصار - همراه با نمونه ای از آثار - معرفی شده اند.

۶. بررسی و نقد کتاب

به منظور نقد کتب و متون درسی ناگزیر باید به بیان نقاط قوت و ضعف آن پرداخته شود؛ با همین رویکرد و در جهت اعتلای اثر نگاشته شده در ذیل در سه زمینه (محتوا، روش آموزشی، و تمرین های آموزشی) به بررسی امتیاز و ویژگی های مثبت، سپس به نقائص و کاستی های کتاب مورد نظر خواهیم پرداخت.

۱-۶. محتوا

- این کتاب همچنان که از عنوان آن هم برمی آید، صرفاً به تدریس شعر معاصر عربی پرداخته است؛ البته چنانچه در مقدمه نیز متذکر شدیم در دانشگاه های ایران از میان گونه های مختلف ادبی، شعر در تدریس ادبیات عربی عصرهای مختلف - از دوره جاهلی تا دوره معاصر - جایگاه ویژه ای دارد تا جایی که برخی از مدرسان صرفاً به تدریس این گونه ادبی می پردازند. شعر از دیدگاه زبان شناسی کاربردی و در چارچوب برنامه های آموزشی زبان های خارجی دارای امتیازاتی است که شاید پرداختن به بخشی از آن در این پژوهش مختصر خالی از لطف نباشد. امتیازاتی که در واقع می توان آن را از نقاط قوت کتاب مورد بررسی برشمرد.

پژوهشگران بر این باورند که شعر قدیمی ترین گونه ادبی است که انسان آن را به کار بسته و در عین حال قدیمی ترین نوع ادبی به کار رفته در آموزش زبان است. به عنوان نمونه، عرب ها پیش از قرن اول، شعر را در آموزش زبان عربی به کار می بردند. (ابوخضیری، ۲۰۰۷: ۱۳۰) البته کاربرد شعر در تدریس زبان های خارجی با مخالفت ها و موافقت های بسیاری روبرو بوده و می باشد؛ تا جایی که گروهی از زبان شناسان، گنجاندن آن در برنامه های آموزش زبان خارجی را به شدت نهي می کنند؛ با این دلیل که شعر برخی از هنجارهای زبان معیار را در هم می شکند و در نتیجه روند آموزش زبان را دشوار می سازد. اما سوزان رامساران / Susan Ramsaran (۱۹۸۳م) در مقاله خود تحت عنوان "Poetry in the language classroom" به کاربرد شعر در کلاس درس به منظور پیشرفت زبانی آموزندگان می پردازد و به شش مورد از هنجارشکنی های زبانی در شعر اشاره می کند که عبارتند از هنجارشکنی آوایی (Phonological Deviation)، هنجارشکنی واژگانی (Lexical Deviation)، هنجارشکنی صرفی (Syntactic Deviation)، هنجارشکنی معنایی (Semantic Deviation)، هنجارشکنی خطی (Graph logical Deviation)، هنجارشکنی سبکی (Stylistic Deviation). رامساران در مقاله خود به صورت مبسوط این موارد را مورد بررسی قرار داده، و راهکارهایی را جهت استفاده از این هنجارشکنی ها در تقویت کنش زبانی مخاطبان ارائه کرده که در این مختصر مجال برای بیان آن نیست. (رجوع شود به رامساران / Ramsaran، ۱۹۸۳، صص ۳۶-۴۳) علاوه بر آنچه گفته شد شعر ویژگی های منحصر به فردی دارد که درنگ در آن، میزان اهمیت آن را در آموزش زبان های خارجی نشان می دهد. این ویژگی ها را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- آشنایی زبان آموز با کاربردهای مختلف و بعضاً غیر متعارف زبان

- تجسم اندیشه ها و احساسات موجود در متن در ذهن و قلب زبان آموز
- آشنایی زبان آموز با گونه های مختلف گفتمان از قبیل تشبیه، استعاره، طنز، تشخیص (جان بخشی)، تصویر و... که در زبان روزمره نیز به کار می رود. (Hişmanoğlu، ۲۰۰۵، ص ۶۱)

بنابراین انتخاب شعر از میان گونه های مختلف ادبیات توسط مؤلف می تواند در پیشبرد اهداف آموزشی مذکور مؤثر باشد.

- بدیهی است که ادبیات آیینی ای است که فرهنگ جامعه زبانی خود را منعکس می کند؛ بنابراین، ادبیات عربی به ویژه ادبیات دوره معاصر می تواند ابزاری جهت آشنایی زبان آموز ایرانی با فرهنگ و آداب و رسوم جامعه عرب باشد؛ چرا که شناساندن فرهنگ و عادات جامعه زبان مورد یادگیری یکی از اهداف آموزش است. پر واضح است که "کسب دانش زبانی برای ایجاد ارتباط لازم است اما کافی نیست، زبان آموز باید به توانش فرهنگی - اجتماعی جامعه زبان دوم / خارجی نیز مجهز شود. باور به این است که زبان آموزان همان راه و رسم زندگی اجتماعی خود را بر مبنای ایجاد ارتباط قرار می دهند و چون راه و رسم زندگی جوامع گوناگون متفاوت است، این تفاوت می تواند موجب سوء تفاهم شود" (ضیاء حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹). بنابراین، برای رفع سوء تفاهم های احتمالی و آشنایی دقیق و کامل با فرهنگ عربی، شایسته بود مؤلف اشعاری را برگزیند که منعکس کننده گوشه ای از فرهنگ عربی باشد تا برای بحث و گفتگو درباره فرهنگ، سنت ها و آداب و رسوم گویسوران عربی و نیز مقایسه و تطبیق فرهنگ های موجود در هر دو جامعه (جامعه ایرانی و جامعه عرب) زمینه ای مناسب فراهم شود.

- به نظر می رسد ذکر تمام نکات بلاغی و ویژگی های زبانی و ادبی سروده های منتخب ضروری نباشد بلکه اشاره ای اجمالی به پاره ای از نکات برای زبان آموزان سودمندتر به نظر می رسد؛ از این جهت که در تدریس ادبیات عربی به گویسوران فارسی و عربی بایست تمایز جدی در نظر گرفت. آنچه در تدریس این متون به دانشجویان ایرانی در اولویت قرار دارد، توانش زبانی است.

۶-۲ روش آموزشی

شاید بتوان اشکال عمده کتاب "مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه" را روش نادرست آموزش بدانیم. چنانچه نویسنده در دیباچه کتاب (ص ۴) نیز تصریح کرده است در بررسی متون ادبی گزینش شده ابتدا زندگینامه شاعر و سپس مناسبت شعر آورده شده، سپس به

شرح کلمات دشوار و بیان محورهای اساسی متن و نهایتاً به شرح ابیات پرداخته است. طبق یک نظر سنجی که بویل (Boyle) آن را برای ارزیابی تدریس شعر در آموزش زبان انجام داده، به این نتیجه رسیده که تنها ۶٪ زبان آموزان از خواندن شعر لذت می‌برند و این در حالی است که ۷۳٪ آن را سخت‌ترین نوع ادبی می‌دانند (رضا یزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۳) که بی‌شک دلایل بسیاری در این امر دخالت دارد. خطیب (۲۰۰۰م) علت اصلی این امر را شیوه‌های غلط آموزش شعر که مبتنی بر روش‌های تقلیدی است، می‌داند؛ زیرا که این روش‌ها زبان آموز را ظرفی خالی می‌پندارد که معلم آن را با اطلاعاتی پیرامون زندگی نامه شاعر، ویژگی‌های ادبی، باورهای سیاسی و فلسفی وی، رخدادهای تاریخی عصرش، اسطوره‌های مطرح شده در شعر، انواع زیبایی‌های ادبی و... پر می‌کند (همان، ص ۳۳). در کتاب مد نظر نیز چنین به نظر می‌رسد که نویسنده در پی آن است اطلاعاتی کلی را در اختیار زبان آموزان قرار دهد، و در این زمینه آموزش را از نکات مرتبط با علم نقد و ویژگی‌های بلاغی مربوط به آن شروع می‌کند. سپس به شرح و توضیح پاره‌ای از مباحث بلاغی روی می‌آورد، و پس از معرفی مکتب‌های ادبی عصر نهضت و ویژگی‌های آن، بخشی را به بیان زندگی‌نامه شاعران این مکتب‌ها اختصاص داده است.

البته شایان ذکر است اگر مخاطبان این کتاب، دانشجویان عربی زبان بودند، بدون شک این نقد نادرست می‌نمود؛ چرا که - چنانچه گفته شد - باید میان تدریس ادبیات عربی به گویشوران عربی (ادبیات به منظور مطالعه / Literature for Study) و گویشوران غیر عربی (ادبیات به عنوان یک منبع آموزشی / Literature as a Resource) تفاوت قائل شد. در کاربرد ادبیات برای مطالعه، هدف آن است که دانشجو در علوم ادبی تخصص یابد، بنابراین به مسائلی چون تاریخ ادبیات، ویژگی جنبش‌های ادبی، پیشینه اجتماعی، تاریخی و سیاسی متن، گونه‌های ادبی و علوم بلاغی پرداخته می‌شود. (رجوع شود به Lazar، ۱۳۸۰، ص ۴۴) اما در تدریس ادبیات به عنوان ابزار و منبع آموزشی، متون ادبی به منظور تقویت توانش (Linguistic Competence) و در نتیجه کنش‌زبانی (Linguistic Performance) مخاطبان در مهارت‌های چهارگانه زبانی استفاده می‌شود. این کاربرد از طرف بسیاری از متخصصان زبان‌شناسی کاربردی مورد توجه قرار گرفته است.

بنابراین چه گفته شد، می‌توان تفاوت میان تدریس ادبیات عربی به گویشوران عربی و غیر عربی را دریافت. دانشجویان عرب، خواهان کسب تخصص در ادبیات هستند، حال آن‌که برای دانشجوی غیر عرب آنچه در اولویت است، کسب و بهبود کنش‌زبانی و ارتباطی است تا بتواند با گویشوران عربی ارتباط مؤثر برقرار کند. بنابراین، بایسته است هدف عمده

مدرسان و دانشجویان ایرانی از مطالعه ادبیات عربی به ویژه در دوره کارشناسی، عمل‌گرا (پراگماتیک / Pragmatic) باشد که البته زیباشناسی ادبیات هم می‌تواند کنار آن لحاظ شود (رجوع شود به العناتی، ۲۰۰۹، صص ۷۶-۷۵).

به منظور رفع مشکل آموزش شعر برای مخاطبان غیر بومی، زبان‌شناسان روشی زبان‌محور را پیشنهاد کرده‌اند؛ چرا که ادبیات نزدیکترین متن به زبان است. در این روش زبان‌آموز می‌تواند با بیان نظرات خویش در حین خواندن متن، کلاس درس را به محیطی فعال تبدیل کند (رضایزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

لازار (Iazar) نیز اظهار می‌دارد طرفداران این شیوه به کاربرد شعر به عنوان ابزاری برای آموزش زبان تأکید می‌کنند و اهمیت چندانی برای بررسی صرف ادبیات قائل نیستند. (۱۳۸۰، ص ۱۴۶) همچنین ضیاء حسینی تدریس شعر را به عنوان ابزاری جهت آموزش زبان مورد بررسی قرار داده و چنین خاطرنشان می‌کند: به عنوان مثال می‌توانیم هنجارشکنی نحوی شعر را در کلاس مطرح کنیم و از زبان‌آموزان بخواهیم قواعد زبانی را که قبلاً آموخته‌اند، در این زمینه پیاده کنند، و بخواهیم بیت‌های شعری را به جمله‌هایی مطابق با زبان خارجی معیار برگردانند. او همچنین بر این باور است که انحراف واژگان از زبان معیار و ترکیب‌های نامتعارف در زبان به ویژه استعاره‌ها و رمزهای فراوانی که در شعر وجود دارند، موضوع جدیدی برای مناقشه و گفت‌وگو در کلاس درس هستند که زبان‌آموزان در بیان معانی واژگان آشکار و مبهم از آن بهره می‌جویند. (۱۳۸۵، صص ۱۳۷-۱۳۸) بی‌شک چنین تمرین‌هایی موجب غنای کلاس ادبیات می‌شود و آن را از محیطی روتین و ملالت‌بار به محیطی زبان‌محور تبدیل می‌کند که زبان‌آموز می‌کوشد به منظور فهم و تفهیم در کلاس با دیگران ارتباط برقرار نماید.

۳-۶ تمرین‌های آموزشی

آوردن نمونه‌های شعری شاعران هر مکتب از سوی مؤلف کار شایسته‌ای است؛ اما بهتر آن است که نویسنده به بیان صرف معنی کلمات، وعدم بازگویی ریشه لغوی کلمات یا عدم راهنمایی زبان‌آموز به فرهنگ لغت‌های عربی و شرح‌های شاعر اکتفا نمی‌کند، بلکه تمرین‌هایی در جهت تقویت توانش زبانی دانشجویان نیز ارائه می‌داد. (رجوع شود به سیوفی / Sioufi، ۲۰۰۷، و گاجداسک / Gajdusek، ۱۹۸۸) به عبارت دیگر یکی از معایب اساسی این کتاب آن است که به فعالیت‌های تکلیف‌مدار و ایفای نقش که باعث

خلق فضایی نزدیک به فضای گویشوران و شرایط واقعی کاربرد زبان می شود، توجهی نشده، درحالی که مسلم است این گونه فعالیت ها باعث یادگیری عمیق تر زبان می شود. وی تنها در پایان کتاب سؤالاتی برای زبان آموزان ارائه کرده که از خلال متن ها انتخاب شده اند، در صورتی که اگر پرسش هایی از این قبیل چه از داخل متن و چه از خارج آن بلافاصله پس از تمام شدن هر مبحث یا هر فصل می آمد، کارآیی بیشتری داشت. در نقد روش مذکور باید خاطر نشان کرد اکثر متخصصان آموزش زبان بر آن هستند که تقویت توانش زبانی زمانی صورت می گیرد که میان زبان آموز با معلم و همکلاسی های خود در زبان هدف و در ضمن متون آموزشی همراه با فعالیت های آموزشی، ارتباط مفید و مؤثر شکل بگیرد. (رجوع شود به گاجداسک / Gajdusek، ۱۹۸۸) از آن جایی که این کتاب بر شعر تمرکز دارد و این گونه ادبی و به طور کلی ادبیات اصیل ترین متن هر زبانی است، پس می توان به وسیله آن به برقراری رابطه میان زبان آموزان و مدرس پرداخت.

تمرین های آموزشی که اهمیت آن بر نویسنده نیز پوشیده نبوده، از جایگاه حائز اهمیتی برخوردار است؛ لذا طراحی آن بایستی روش مند و هدفمند باشد.

با تأملی که نویسنده این مقاله در منابع تئوری آموزش زبان های خارجی پیرامون طراحی تمرین های درسی در حوزه متون ادبی داشته، به این جمع بندی رسیده که این تمرین ها باید طی ۳ مرحله ارائه گردد؛

- فعالیت های پیش از خواندن
- فعالیت های در حین خواندن
- فعالیت های پس از خواندن

گاجداسک (Gajdusek) زبان شناس معروف در حوزه آموزش ادبیات در مقاله خود تحت عنوان "Toward Wider use of Literature in ESL: Why and How" اظهار می دارد چنانچه هدف از آموزش ادبیات تقویت توانش زبانی و در نتیجه توانش ارتباطی زبان آموزان باشد، بایسته است برای فعالیت های زبانی قبل از خواندن وقت کافی در نظر بگیریم؛ تا زبان آموز درگیر فرآیند آموزش و یادگیری شود. لذا، برای تحقق اهداف مهمی چون تشویق زبان آموز برای کشف معنای کلمات ناآشنا از بافت سخن، یادگیری کلمات مهم و نیز تقویت مهارت فهم کاربرد سایر کلمات نیازمند صرف وقت کافی هستیم. (۱۹۸۸، صص ۲۳۴-۲۳۵)

از آن جایی که خواندن مهارتی فعال و دو سویه است، فعالیت های پیش از خواندن بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا که خواننده از قبل اطلاعاتی را پیرامون متن مورد نظر بر اساس

زبان مادری و نیز جامعه ای که در آن زندگی می کند، در ذهن دارد که در فرآیند خوانش متن دخالت می کند و از سوی دیگر هر متنی اطلاعاتی را به مخاطب منتقل می کند. این اطلاعات پیشین خواننده اهمیت بسیاری در فهم صحیح متن دارد. از این رو، معلم می بایست این اطلاعات نهفته ذهنی زبان آموز را با فعالیت های پیش از خواندن بیدار سازد. این امر باعث می شود نگرانی زبان آموز از مواجهه با کلمات و عبارات نامأنوس کاسته شود و از طرفی با طرح سؤالاتی مرتبط با متن، ذهن وی در پی کاوش و جستجوی پاسخ شود (رجوع شود به ضیاء حسینی، ۱۳۸۵). بنابراین، شرح تمامی واژه های نامأنوس در کتاب و تمامی ابیات با بیان جزئیات بلاغی و ادبی از ایجاد ارتباط پویا بین زبان آموز، متن، مدرس و همکلاسی ها ممانعت می کند یا آن را به حداقل می رساند. البته نویسنده محترم کتاب مد نظر، خود در دیباچه تصریح کرده است در طراحی سؤالات مندرج در پایان کتاب هدف آزمودن توانش نقدی و ادبی مخاطب بوده است. بنابراین، به نظر می رسد توانش زبانی اصلاً مد نظر وی نبوده، یا حداقل اهمیت چندانی نداشته است. چنانچه قبلاً هم گفتیم علت امر آن است که متأسفانه تمایزی میان ادبیات به منظور مطالعه و ادبیات به عنوان یک منبع آموزشی قائل نمی شویم.

قسمت دیگر فعالیت هایی که موجب تقویت توانش زبانی می شود، فعالیت های در حین خواندن است که کاملاً در این کتاب مورد غفلت قرار گرفته است. منظور از این نوع فعالیت، همان سؤالاتی است که در انگلیسی به سؤالات wh معروفند (چه کسی / who، کی / who، کجا / where، چرا / why و ...) (رجوع شود به گاجداسک / Gajdusek، ۱۹۸۸، صص ۲۳۸-۲۵۵، سیوفی / Sioufi، ۲۰۰۷، صص ۳۰-۳۷، ارکایا / Erkaya، ۲۰۰۵، ص ۵)

و نیز می توان در فعالیت های در حین خواندن سؤالاتی پیرامون موضوع شعر، سبک شاعر و ... را مطرح نمود تا فضای تعامل و مشارکت مثبت بین مدرس و مخاطبان فراهم شود و در نتیجه توانش زبانی آنان تقویت شود.

فعالیت های پس از خواندن که در پایان کتاب تحت عنوان "تدریبات تطبیقیة و نماذج أسئلة محوریة" از صفحه ۲۳۴ تا ۲۴۱ را به خود اختصاص داده، آورده شده است نیز مورد نقد است؛ چرا که این نوع تمرین ها شایسته است به ماورای متن پردازد و از زبان آموز پاسخ های ابداعی بطلبد نه اینکه صرفاً بر حافظه تأکید داشته باشد. (رجوع شود به گاجداسک / Gajdusek، ۱۹۸۸، صص ۲۵۱-۲۵۳، ارکایا / Erkaya، ۲۰۰۵، ص ۶)

۷. نتیجه گیری

اهمیت کتاب در امر آموزش به طور عام و به ویژه در آموزش زبان خارجی بر هیچ کس پوشیده نیست، لذا بررسی و نقد آن در جهت رفع کاستی های کتاب تأثیر مستقیم در بازدهی مطلوب آموزش دارد.

از آن جایی که تا کنون پژوهش منسجمی در نقد و بررسی کتاب های آموزش ادبیات عربی به گویشوران فارسی صورت نگرفته است، در این مقاله کوشیده ایم با بررسی کتاب "مجانای الشعر العربی الحدیث ومدارسه" این مهم را تا حدودی به انجام رسانیم.

در بررسی حاضر به نتایجی دست یافتیم که مهم ترین آن عبارتند از:

- اساسی ترین نقد وارد بر کتاب مورد بررسی آن است که مؤلف میان تدریس ادبیات عربی برای مخاطبان گویشور عربی و فارسی تمایز قائل نشده است، و به تبع آن گزینش متون، نحوه شرح، و طرح سؤالات پایان متن نیز با رویکرد تقویت صرف توانش ادبی صورت گرفته است.

- گزینش متون و حوزه واژگان منطبق با اصول علمی تألیف کتاب های آموزش ادبیات به زبان آموزان خارجی نمی باشد.

- قسمت اعظم تلاش مؤلف مصروف ایجاد توانش ادبی زبان آموزان گردیده و توانش زبانی و ارتباطی مورد بی توجهی قرار گرفته است، در صورتی که با توجه به اینکه زبان مادری مخاطبان، زبان فارسی است و نه زبان عربی؛ لذا این امر ایجاب می کند تألیف در حوزه متون ادبی برای این گروه با اولویت تقویت توانش و در نتیجه کنش زبانی و ارتباطی و سپس ادبی باشد. به عبارت دیگر؛ این کتاب، ادبیات محور است نه زبان محور.

با توجه به نقایص مذکور، پیشنهادهایی جهت رفع آن ها و بهبود محتوایی این کتاب ها در خلال مقاله ارائه شده است تا ان شاء الله در تألیفات آینده مورد استفاده دست اندرکاران امر قرار گیرد.

منابع

- أبو هشام، (۲۰۰۵ م)، تدریس الأدب العربی لغیر الناطقین بالعربیة، متوفر فی العنوان التالي:
1X3#http://www.mojat.com/modules.php?name=Content&pa=showpage&pid=13
- أبوخضیری، عارف کرخی، (۲۰۰۷ م)، الشعر فی مجال تعلیم اللغة، المؤتمر الدولي "إسهامات اللغة والأدب فی البناء الحضاری للأمة الإسلامية" ج ۲، مالیزیا: الجامعة الإسلامية العالمية، صص ۱۲۹ - ۱۳۹.
- إسماعیلی، سجاد، (۱۳۹۱ ش)، تعلیم النصوص الأدبیه فی أقسام اللغة العربیة وأدبها بالجامعات الإيرانية ومدی تحقق أهدافه، رسالة ماجستير غیر منشورة، جامعة تربیت مدرس.

پول، جورج، (۱۳۷۸ ش)، بررسی زبان، مترجم: محمد نور محمدی، چاپ دوم، تهران: راهنما.
جلائی، مريم، (۱۳۹۱ ش)، دراسة المدخل التواصلي في تدريس الأدب العربي المعاصر لطلاب العربية
الإيرانيين، أطروحة دكتوراه غير منشورة، جامعة أصفهان.

جلائی، مريم، نرگس گنجی وسيد محمد رضا ابن الرسول، (۱۳۹۱ ش)، تدريس القصة القصيرة لمتعلمي
العربية من الناطقين بغيرها في ضوء المدخل الاتصالي، مجلة لسان مبین، جامعة قزوين الدولية، العدد
۱۰، صص ۱۶۰-۱۸۱.

حبيقة، طاهر محمد، (۲۰۰۹ م)، تبسيط النص الأدبي للقراءة الموسّعة بما يتناسب مع المستويات اللغوية
لناطقين بغير العربية (دراسة تطبيقية على رسالة الغفران) رسالة ماجستير غير منشورة، جامعة الدول
العربية، المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم، معهد الخرطوم الدولي للغة العربية.

خورشا، صادق، (۱۳۸۱ ش)، مجاني الشعر العربي الحديث ومدارسه، طهران: سازمان مطالعه و تدوين كتب
علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

راضی، عبدالحكيم، (۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ ق)، تدريس النصوص الأدبية لطلاب اللغة الثانية ... ملاحظات حول
الصعوبات والحلول، المملكة العربية السعودية، جامعة أم القرى، مجلة معهد اللغة العربية، العدد ۱، صص
۲۳۱-۲۴۶.

رضا يزدی، مريم، (۱۳۸۰ ش)، استفادة از متن های ادبی برای آموزش زبان فارسی به غير فارسی زبانان،
پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

الس، تئوان و همکاران، (۱۳۷۲ ش)، زبان شناسی کاربردى (یادگیری و آموزش زبان های خارجی)،
ترجمه: محمود الیاسی، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

ضیاء حسینی، محمد، (۱۳۸۵ ش)، روش تدريس زبان فارسی به فارسی آموزان خارجی، تهران: انتشارات
سخن.

طعيمة، رشدي أحمد، (۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ م)، قضايا وتوجيهات في تدريس الأدب العربي، المملكة العربية
السعودية، جامعة أم القرى، مجلة معهد اللغة العربية، العدد ۱، صص ۲۴۷-۲۸۷.

عظيمی، كاظم، (۱۳۸۴ ش)، نقد و بررسی كتاب مجاني الشعر العربي الحديث و مدارسہ (مجموعه شعر
معاصر عربي و مكتب های ادبی)، سخن سمت، شماره ۱۵، صص ۹۷-۱۰۲.

العناتی، وليد أحمد، (۲۰۰۹ م)، رؤى لسانیة في تدريس القصة القصيرة لناطقين بغير العربية، مجلة جامعة
النجاح للأبحاث، العدد ۲۳ (۱)، صص ۷۳-۹۴.

الفارسی، حسين بن علی، تعليم قواعد العربية لناطقين بغيرها في المستوى المتقدم من خلال النصوص
الشعرية، المؤتمر الدولي الرابع للغة العربية، دبي، ۱۰-۱۶/ ۵ / ۲۰۱۵، المجلد ۵.

لازار، گيليان، (۱۳۸۰ ش)، ادبيات و آموزش زبان، مترجم: محمد غضنفری، تهران: انتشارات سمت.

الملاح، أحمد ياسر، تحديات تدريس الأدب العربي في الجامعات الأمريكية، المؤتمر الدولي الرابع للغة
العربية، دبي، ۱۰-۱۶/ ۵ / ۲۰۱۵، المجلد ۱۰.

- Collie, J and S, Slater, (1988). Literature and Language Teaching, Oxford: Oxford University Press.
- Dhakar, Dubi Nanda, (2001) , Value of Literature in Language Teaching " Journal of NELTA. Vol 16, No.1: P.P:109-113.
- Erkaya, Odilea Rocha, (2005) , "Benefits of Using Short Stories in the EFL Context.": P.P: 1-13.
- Gajdusek, L, (1988), "Toward wider use of literature in ESL: Why and how" TESOL Quarterly, 22(2) , P.P: 227-257.
- Ghosn, I , (2002) , "Four good reasons to use literature in primary school ELT" ELT Journal, 56, (2),: P.P: 172-179.
- Hişmanoğlu, Murat, (2005), "Teaching English Through Literature" Journal of Language and Linguistic Studies, Vol.1, No.1: P.P: 53-66.
- Ramsaran, Susan, (1983), "Poetry in the Language classroom" ELT Journal. Volume 37/1. P.P: 36-43.
- Sioufi. Mayssa, (2007), L'utilisation de «La Nouvelle» en classe de langue. Damascuse University Journal, Vol.23, No 2, P. P: 19-43.